

برک های از خاطرات

(از تولد تا ۷۴ سالگی)

www.ketab.ir

به قلم: دکتر احمد حسینیان

(نماینده اسبق همدان در مجلس شورای اسلامی)



- سرشناسه : حبیبیان، احمد، ۱۳۲۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : برگ‌هایی از خاطرات (از تولد تا ۷۴ سالگی) // احمد حبیبیان
 مشخصات نشر : همدان: برکت کوثر، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری : ۳۳۴ ص.
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۴۲۵-۰۸۸-۷
 وضعیت فهرست : فیفا
 موضوع : حبیبیان، احمد، ۱۳۲۴ -
 موضوع : نمایندگان مجلس -- ایران -- همدان (استان) -- خاطرات
 موضوع : سیاستمداران -- ایران -- خود سرگذشتنامه
 رده بندی کنگره : JQ۱۷۸۷/۹
 رده بندی دیویی : ۳۸۰/۵۵۰۹۳
 شماره کتابشناسی : ۵۹۶۷۴۳۳



انتشارات برکت کوثر ناشر برگزیده استان همدان

نام کتاب: برگ‌هایی از خاطرات (از تولد تا ۷۴ سالگی)

نویسنده: احمد حبیبیان

صفحه‌آرایی و طراحی جلد: تبلیغات آپادانا

چاپ: یوسف

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۹

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

نشانی: همدان - چهارراه تختی، انتشارات برکت کوثر

تلفن: ۱۱۷۸ ۳۲۵۳ - ۹۰۴۵ ۸۱۵ ۰۹۱۸

فهرست

مقدمه	۹
فصل اول / از تولد تا سربازی (روز تولد تا ۱۹ سالگی)	۱۵
کرمانشاه	۲۴
فصل دوم / سربازی، تا عزیمت به فرانسه (۱۹ سالگی تا ۳۱ سالگی)	۳۱
بعد از سربازی (سپاه دانش)	۳۶
خاطرات دانشگاه	۳۹
خاطرات اسدآباد	۴۱
فصل سوم / دوران فرانسه سال‌های ۱۳۵۹ - ۱۳۵۵ (۳۱ تا ۳۵ سالگی)	۵۳
خاطراتی دربارهٔ جلسات انجمن	۶۴
فصل چهارم / بازگشت به ایران سال‌های ۱۳۷۱ - ۱۳۵۹ (۳۵ تا ۴۷ سالگی)	۷۱
حضور در جبهه ها	۷۸
یک معجزه	۸۱
چند خاطرهٔ دیگر از جبهه ها	۸۴
خاطره دیگر	۸۵
خاطره دیگر	۸۶
فصل پنجم / دوران مجلس شورای اسلامی سال‌های ۱۳۷۵ - ۱۳۷۱ (۴۷ تا ۵۱ سالگی)	۹۱
۱- نطق‌های پیش از دستور	۹۴
۲- نطق‌های پس از دستور در موافقت یا مخالفت طرح ها و لوایح	۱۰۶
۳- تذکرات (به رئیس مجلس و وزراء محترم)	۱۵۸
الف- تذکرهٔ آئین‌نامه‌ای	۱۵۹
ب- تذکره به وزراء	۱۶۲
۴- سؤال از وزراء	۱۶۵
۵ استیضاح	۱۷۰

۱۷۵	۶- مصاحبه ها
۱۸۰	۷- مقالات و پیشنهادات
۱۸۷	۸- احکام و تقدیرها
۱۸۷	الف- احکام
۱۸۸	ب- تقدیرنامه ها
۱۹۰	۹- نامه ها
۱۹۱	الف- نامه هایی به رهبر معظم انقلاب
۱۹۶	ب- نامه هایی به جناب آقای ناطق نوری، ریاست محترم مجلس شورای اسلامی
۲۰۶	ج- نامه هایی به ریاست محترم جمهور جناب آقای اکبر هاشمی رفسنجانی
۲۳۰	در ملاقات ما با مسئولین محترم در ژاپن چه گذشت؟
۲۳۳	د- نامه هایی برای فرماندهان سپاه و نیروی انتظامی
۲۳۹	۱۰- گزارش کتبی و تصویری روزنامه ها در خصوص فعالیت های اینجانب
۲۴۳	۱۱- طرح ها
۲۵۷	۱۲- در حاشیه مجلس چه گذشت؟
۲۶۳	۱۳- نگاهی به حوزه انتخابیه
۲۶۴	۱۴- خاطرات دوران نمایندگی

فصل ششم/ بعد از نمایندگی مجلس تا کنون (۵۱ تا ۷۴ سالگی) ۲۷۹

۲۸۱	جنگ و صلح
۲۸۳	سکونت در خیابان پیروزی
۲۸۵	ورود به میدان زیبای پژوهش
۲۸۵	تلخیصی از موضوع پژوهش (= تمدن در بینش نظری و عملی)
۲۳۹	اقامت در همدان
۳۱۱	تألیفات و آثار
۳۱۶	در کنار چشمه سار نهج البلاغه
۳۱۷	رحلت والدین
۳۲۰	ختم کلام
۳۲۲	منابع
۳۲۳	نمایگان

مقدمه

هر انسانی در روی کره زمین - هنگامی که عمری از او می‌گذرد - مانند نقطه‌ای می‌شود که در وسط و میانه دو پاره خط که یکی از سمت راست و یکی در سمت چپ او است، قرار می‌گیرد. آن نقطه در واقع «حال» و پاره خط سمت راست «گذشته» و پاره خط سمت چپ «آینده» است. «گذشته» که همان «خاطره» باشد همواره با دو حالت همراه است که در ذهن و قلب انسان تجلی می‌کند: «اندوه و افسوس» و «شادی و رضایت». اندوه به خاطر تلف کردن فرصت‌ها و نیندوختن توشه‌ای برای آخرت، و شادی و رضایت جهت توفیق الهی در استفاده صحیح از اوقات و فرصت‌ها و اندوختن تجربه برای ادامه راهی که در پیش دارد. و البته آینده هم همواره با دو حالت توأم است: امید و اضطراب.

نوشتن خاطرات زیبنده هر کس نیست، زیرا بسیاری از انسانها خاطراتشان جز مشتی مسائل روزمره و خسته‌کننده نیست، لیکن کسانی که ایام زندگیشان با زندگی مردم گره خورده و به خاطر مردم، تن به مخاطره سپرده‌اند، «باید» خاطراتشان را نه به خاطر خودشان، بلکه به خاطر مردم و برای مردم و در جهت جلب رضای خداوند متعال بنویسد تا بوسیله تجارب گران‌سنگشان به آنها که دوستشان دارند، تجربه بیاموزند.

این خاطرات و ثبت و ضبط آنان در اوراق و حافظه‌ها، زمانی می‌تواند ارزشمند و تأثیرگذار باشد که از چند شرط مهم خالی نباشد:

(۱) اگر نه «صددرصد» و بطور کامل، لاقلاً درصد بالایی از این خاطرات مربوط به جامعه‌ای باشد که صاحب خاطره با آنها زیسته و برای آنها تن به سختی‌ها و شماتت‌ها داده باشد.

(۲) این خاطرات - هرچند در بعد اجتماعی - باید واجد «اهمیت» باشد، یعنی اطلاعاتی ارائه کند که برای خوانندگان مفید و ارزنده باشد.

(۳) در بیان خاطرات «شجاعت» داشته باشد و از جریاناتی که به نوعی سبب تخریب جامعه بوده‌اند، پرده بردارد، بی آنکه در این افشاگری قصد تخریب شخصیت‌های درگیر را داشته باشد. زیرا ممکن است عوامل آن جریان تخریبی، بعدها دچار پشیمانی تنده به صلاح آمده باشند.

(۴) نویسنده خاطره حق ندارد وارد حریم خصوصی دیگران بشود و اسرار آنها را نزد مردم برملا سازد. آری او می‌تواند به خاطر سجایای اخلاقی و تأثیرات مثبت آنها در جامعه، از آنها یاد کند تا جامعه از آنها الگو بگیرد و تجربه آنها را تجربه نماید.

(۵) نویسنده خاطرات، زمانی می‌تواند به زندگی خصوصی خود - سرگذشت کودکی و جوانی - بپردازد که این خاطرات به نحوی با خاطرات دوران پختگی و نقش‌آفرینی، سنخیت داشته باشد؛ بدین معنا که خواننده متوجه شود که علت توفیقات صاحب خاطره، شرایط و مقدماتی بوده که در کودکی و جوانی برایش حاصل شده است.

(۶) شرط بسیار مهم و اساسی خاطره‌نویسی «خودمحوری» است، نه «مردم‌محوری» و نه «خودمحوری». اگر «خودمحوری» باشد بلاشک سر از

«عُجَب» (خودپسندی) درمی آورد که بزرگترین آفت عبادت و بندگی است... چنانکه امام زین العابدین^(ع) (در دعای مکارم الاخلاق) به خداوند متعال عرض می کند: «و لا تُفْسِدِ عِبَادَتِي بِالْعُجَب»: «خدایا! بندگی ام را با عُجَبی که مرتکب می شوم، فاسد مساز» و اگر به خاطر مردم باشد منجر به «ریا» می شود که ریا- البته- شعبه ای از شرک و شرک هم ظلم عظیم است. (انَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ) در این خصوص امام سجاده^(ع) در همان دعا به خداوند چنین عرضه می دارد: و لا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَطَطْتُني عِنْدَ نَفْسِي مِثْلُهَا: خدایا مرا در میان مردم بالا مبر مگر اینکه به همان اندازه نزد خودم پایین بیاوری... لیکن اگر خاطره نویسی به خاطر خداوند متعال باشد، اولاً خداوند او را در نوشتن کمک می کند، ثانیاً در خواننده تأثیر می گذارد، ثالثاً نتایج و تأثیرات این خاطرات در مردم موجب هدایت، انبیا و عبرت آنها می گردد و در نهایت برای خاطره نویس در آخرت پاداشی عظیم برای وی ذخیره می گردد.

حقیر هرگز ادعا نمی کند که مشمول آن دسته از خاطره پردازانی است که این شرایط برشمرده را داشته باشد، لیکن می تواند مدعی باشد که به این قوم تشبّه یافته و امید دارد که خداوند کارش را مورد رضایت خود قرار بدهد، چنانکه فرمودند: «مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ» هر کس که به گروهی شباهت بجوید (به آنها اقتدا کند) از زمره آنها خواهد بود. ان شاء الله.

چه زیانکار است کسی که با نوشتن خاطرات و عرضه آن به مردم در جستجوی نام و نشان و اعتبار اجتماعی باشد! نامدار بودن برای چه کسانی؟ برای کسانی که آنقدر گرفتار زندگی خود هستند که یاد دیگران هیچ ارزشی برای آنها

ندارد مگر کسانی که صاحب‌دل بوده با نور الهی دریابند که این خاطره‌نگار در کارش «اخلاص» دارد، لذا برایش دعا می‌کنند و بر کارش سپاس می‌گذارند. از آن سوی دیگر مال و نان به چه میزان؟ شکمی که با یک جرعه آب، سیراب می‌شود و با چند لقمه نان و پنیر سیر می‌گردد، چه نیازی دارد برای کسب ثروت خود را در مسیر فروختن در قالب خاطره نویسی قرار دهد؟!

بنابراین، تنها و تنها یک راه برای او وجود دارد و آن «نوشتن به خاطر خدا» است. خدایا! تو خود می‌دانی که من با وجود فاصله گرفتن از ۳۴ سال (انقضای دوره نمایندگی مجلس) پیش تاکنون هرگز درصدد نوشتن خاطرات نبودم زیرا خود را «عددی» نمی‌دانستم و نمی‌دانم.

خدایا! این تو بودی که در «دو» جا مرا به نوشتن خاطرات فرا خواندی. مورد نخست، درخواستی بود از سوی یک جوان پاک و مخلص همدانی که از سلاله علم و عرفان و فقاہت بود. برادر ارجمندم جناب تالهی که چندبار به من گفت: آقای حبیبیان! چرا خاطرات را نمی‌نویسی؟ مگر نه اینکه نماینده مجلس بودی؟ و در قلّه تصمیم‌گیری‌های کلان حضور داشتی؟ و... از نحوه درخواستش دانستم که این جز یک الهام الهی نیست، چرا که آقای تالهی یک متأله است و متأله یک وجود وابسته به «الله» است. گذشته از این مگر حضور در مجلس و حوادث و رویدادهای آن، زندگی شخصی و خصوصی من است؟ خیر! زندگی و خاطرات یک ملت است که حقیر در گوشه‌ای از آن رویدادهای مهم حضور داشتم و با آنها درگیر بودم.